

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

" قوهٔ میثاق مانند حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید و نشو و نما بخشد. به همچنین نور میثاق عالم عقول و نفوس و قلوب و ارواح را، تربیت نماید." مکتب جلد ۳ ص ۹۶

عنوان: قوهٔ میثاق مانند حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید

قسمت روحانی:

- ۱- مناجات شروع
- ۲- مجموعه نصوص حضرت بهاء الله
- ۳- کلمات مکنونه
- ۴- تبیینات مبارک حضرت عبدالبهاء در خصوص کلمات مبارکه
- ۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء
- ۶- مجموعه نصوص حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری:

- ۷- پیام بیت العدل اعظم الهی
- ۸- حکایت: عهد ما با حضرت بهاء الله
- ۹- حکایت
- ۱۰- شعر
- ۱۱- شور و مشورت
- ۱۲- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی:

- ۱۳- الفت و پذیرائی
- ۱۴- مناجات خاتمه

یاران روحانی الله ابھی

برنامه ای که بدینوسیله تقدیم حضورتان می گردد به اهمیت توجه به عهد و میثاق الهی می پردا زد و لزوم پایبندی به این عطیة الهی را با استمداد از آثار مبارکه مورد بررسی قرار می دهد.

عنایتا در زمان شور و مشورت ابتدا به بیان بیت العدل اعظم الهی اشاره فرمائید که می فرمایند:

"سرعت تحقق وعود الهیه در آن خطه مبارکه تا حدّ زیادی به جدّیت احبّای عزیز در میدان تبلیغ با رعایت حکمت وابسته است و این نیز به نوبه خود بستگی مستقیم به میزان تعهدی دارد که هر فرد وجداناً بین خود و جمال مبارک می سپارد که تا چه حد زندگی خود را در شرایط فعلی وقف تبلیغ انفرادی نماید. افراد در تعیین این میزان تعهد، متفاوتند زیرا انجام آن مستلزم از خود گذشتهگیهای متفاوت می باشد. " سپس سؤال ذیل را مطرح نمائید و با عزیزانتان به تبادل افکار و تجارب بپردازید.

بر اساس پیام بیت العدل اعظم الهی، تبلیغ انفرادی در شرائط فعلی از جمله مصادیق تمسک به عهد و میثاق الهیست. " به نظر شما چگونه می توانیم علی رغم مشکلات فردی و کثرت وظایفی که بر دوش داریم از عهده این امر مهم برآئیم؟ لطفا تجارب خود را بایکدیگر در میان گذارید.

مؤید باشید

## ۱- مناجات شروع

### الها معبودا مقصودا

فقیری از فقراء قصد بحر عطا نموده و جاهلی از جهلاء به تجلیات آفتاب علمت توجه کرده. سؤال می کنم تورا به دمائی که در راه تو در ایران ریخته شد و به نفوسی که سَطَوَت ظالمین و ظلم مشرکین ایشان را از توجه به تو منع نمود و از تقرّب باز نداشت اینکه کنیز خود را از نِعاق نَاعِقِین و شُبُهات مُرِیبِین حفظ فرمائی و در ظلّ قِبابِ اسم کریمت مأوی دهی . توئی قادر بر کلّ و مُهیمِن بر کلّ. اَشْهَد و تَشْهَد الْأَشْیَاءَ كُلَّهَا بِأَنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْقَدِيرُ.

ادعیة محبوب ص ۳۴۴

ای دوستان من

یاد آورید آن عهدی را که در جبل فاران که در بقعه مبارکه زمان واقع شده با من نموده اید و ملأً اعلی و اصحاب مدین بقا را بر آن عهد گواه گرفتیم و حال احدی را بر آن عهد قائم نمی بینیم. البتّه غرور و نا فرمانی آن را از قلوب محو نموده، به قسمی که اثری از آن باقی نمانده و من دانسته صبر نمودم و اظهار نداشتم.

و نیز می فرمایند:

ای پسر هوی

تا کی در هوای نفسانی طیران نمائی؟ پر عنایت فرمودم تا در هوای قدس معانی پرواز کنی نه در فضای وهم شیطانی. شانه مرحمت فرمودم تا گیسوی مشکینم شانه نمائی نه گلویم بخراشی.

۲- مجموعه نصوص حضرت بهاء الله

"وفای به امر الهی امری است عظیم. طوبی لمن تمسک به وَ وَیْلٌ لِلْغَافِلین. انشاء الله جمیع دوستان به روح کلمه تازه جدید، مزین و فائز شوند. چه هر نفسی فی الحقیقه به او حیات یافت، او بر عهد ثابت و محکم است چه که وفا یمشی قدامه و الامانه عن یمینه والصدقه یساره وَ نورُ الاطمینانِ فوق رأسه وَ روحُ الانقطاعِ یَنحَرَّ کُ مَعَه..."

مجموعه الواح مبارکه (عندلیب) ص ۱۵۸

"ای عباد نیست در این قلب مگر تجلیات انوار صبح بقا و تکلم نمی نماید مگر بر حق خالص از پروردگار شما. پس متابعت نفس ننمائید و عهد الله را مشکنید و نقض میثاق مکنید به استقامت تمام، به دل و قلب و زبان، به او توجه نمائید و نباشید از بی خردان."

مجموعه الواح مبارکه چاپ مصر ص ۳۲۸

"أَتْلُوا آیَاتِ اللَّهِ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ إِنَّ الَّذِي لَمْ يَتْلُ لَمْ يُؤْفَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ مِيثَاقِهِ وَ الَّذِي أَعْرَضَ عَنْهَا الْيَوْمَ إِنَّهُ مِمَّنْ أَعْرَضَ عَنِ اللَّهِ فِي أَرْزَالِ الْأَزَالِ اتَّقَنَّ اللَّهَ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ أَجْمَعُونَ."

کتاب مستطاب اقدس

۴- تبیینات مبارک حضرت عبدالبهاء در خصوص کلمات مبارکه مکنونه فوق و در باره عهد جبل فاران در بقعه مبارکه زمان می فرمایند:

"این عهد و میثاق است که جمال مبارک در ارض مقدّس به قلم اعلی در ظلّ شجره انیسا گرفته‌اند و بعد از صعود اعلان شد." مائده آسمانی ج ۲ ص ۵۶

و در خصوص پرورشانه می فرمایند:

"پر و شانه که در کلمه مبارکه مکنون مذکور، آن میثاق الهی است. این عهد و میثاق از برای آن گرفته شده که وفا به عبدالبهاء نمایند نه اینکه گلوی مبارک یعنی امر مبارک را بخرانند."

یاران پارسی ص ۱۳۵

۵- لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

#### هوالبهی

ای دوستان حضرت یزدان در این کور اعظم که شمس قدم از آفاق امم طالع و لائح گردید و به فیوضات غیر متناهی شرق و غرب امکان را روشن و نورانی فرمود و به نسائم حدائق ملکوت، جمیع جهات را روح حیات مبذول فرمود و به بوی خوش ازهار ریاض معانی مشام اهل عرفان را معطر نمود، قیامتی بر پا فرمود و رایت حمایتی بر افراخت ... جمیع را بر موائد ممدوده، دعوت فرمود و کلّ را بر خوان نعمت موضوعه خواند. هر ذره ای را استعداد افاضه، عنایت کرد و هر قطره ای را جوش و خروش بُحورِ عظیمه، احسان فرمود. تا کلّ مُتَّفَق شده و در ظلّ کلمهء واحده به عهد و میثاق الهی توّسل جسته، در کمال قوّت و قدرت به اعلاء کلمه الله قیام نمائیم و به نشر نفحات الله بپردازیم و در سبیلش جان بیفشانیم و به جان و دل بکوشیم و بجوشیم تا نفحات قدس عالم را، معطر نماید و جذبات انس، قلوب و افتدهء اُمم را مَسَخَّر. .. پس ای احبّای الهی بیائید سر از بالین دیرین برداریم و دیده را به نور مُبین روشن کنیم و چنانچه باید و شاید به وفای به عهد قیام نمائیم و در این سبیل، جان ببازیم و بسوزیم و بسازیم، تا افق عالم روشن گردد و گُلّخَن جهان، گلشن شود و آیات اسم اعظم، در قطب عالم استقرار یابد.

ع ع

منخبات مکاتیب ج ۴ ص ۶۱

ای حزب الهی، به عون و عنایت جمال مبارک، روحی لاحتیّاه الفداء، باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس ممتاز شوید. هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به خُلق و خوی و صدق و وفا و محبّت و امانت و دیانت و مهربانی به عموم عالم انسانی، مُشارٌ بِالْبَنان گردد. جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائیت است، زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خُلق و خوی این شخص از خصائص بهائیانست تا به این مقام نیائید، به عهد و پیمان الهی وفا ننموده‌اید. زیرا به نصوص قاطعه از جمیع ما میثاق وثیق گرفته که به موجب وصایا و نصائح الهیّه و تعالیم ربّانیه رفتار نمائیم.

مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۳ ص ۱۵۸

"قسم به طلعت نوراء جمال ابهی روحی و کینونتی لأحِبّائه الفداء، که سُکّان ساحت کبریاء، مرحبا تمّ مرحبا از ملکوت اعلیٰ به ثابتین میثاق می گویند ... ای بنده بها، تاجی بر سر اهل میثاق است که لئالیس، کلمات کتاب اقدس است و جواهر گرانبهائیش، آیات کتاب عهد و تابندگی و درخشندگیش، مواهب حضرت پروردگار."

مکاتیب ج ۸ ص ۶۸

"قدم را ثابت نمائید و به نهایت قوّت به نشر نفحات الهیّه و اعلاء کلمة الله و ثبات بر میثاق پردازید و یقین بدانید که اگر نفسی با کمال استقامت ندا به ملکوت نماید و به نهایت متانت ترویج میثاق کند، اگر مور ضعیف است، فیل عظیم را از میدان فرار دهد و اگر پشه نحیف باشد، عقاب کاسر را بال و پر بکشد.

منتخباتی از مکاتیب ش ۱۸۴ ص ۲۰۴

"هر نفسی که متشبّث به عهد الهی است و متمسک به ذیل میثاق، از جمیع امتحانات محفوظ و مصون ماند. زیرا ثبوت و استقامت، حصن حصین است و اطاعت امر جمال مبارک، حافظِ مُبین.

خاطرات مالگیری ص ۲۶۵

حضرت بهاء الله، پیروان خود را اعم از پیر و جوان، زن و مرد، ممتوّل یا فقیر، شهرنشین یا روستایی و بدون توجه به میزان گرفتاری و مشاغل روزانه دیگر، موظّف و مکلف به امر تبلیغ فرموده اند. سرعت تحقّق وعود الهیّه در آن خطّه مبارکه تا حدّ زیادی به جدّیت احبّای عزیز در میدان تبلیغ با رعایت حکمت وابسته است و این نیز به نوبه خود بستگی مستقیم به میزان تعهدی دارد که هر فرد وجداناً بین خود و جمال مبارک می سپارد که تا چه حد زندگی خود را در شرایط فعلی وقف تبلیغ انفرادی نماید. افراد در تعیین این میزان تعهد، متفاوتند زیرا انجام آن مستلزم از خود گذشته‌گیهای متفاوت می باشد. اوقات احبّاء برای خدمت به امرالله نامحدود نیست. دوستان عزیز باید متوجّه باشند که وقت محدود روزانه خود را چطور صرف می کنند و به این فکر باشند که عادات و انضباطی در خود به وجود آورند تا با تعیین ارجحیتهای لازم، هم از یک سو به مسئولیتهای حیاتی زندگی خود برسند و هم از سوی دیگر وقت و انرژی کافی برای تبلیغ انفرادی داشته باشند.

پیام مورخ ۷ جون ۲۰۰۷ بیت العدل اعظم الهی

#### ۹- حکایت:

خانم لواء، از حضور مبارک (حضرت عبدالبهاء) تمتی نمود که یک مجلس با او (میرزا حسینعلی جهرمی که از مدافعین ناقضین میثاق بود) ملاقات نماید، در آن ایام که زمان رونق بازار ناقضین بود، به احدی اجازه نمی دادند که به قدر یک کلمه با آنها صحبت کند، حتی اگر کسی از آنها عبوراً سؤالی می کرد یا هتّاکی و فحّاشی می نمود، احبّاء حقّ هیچگونه تکلم نداشتند. ولی لواء بالاخره اجازه گرفت که با جهرمی ملاقات نماید و به این عبد (دکتر یونس خان افروخته)، امر فرمودند که در این ملاقات مترجم او باشم. .. لواء با حالت خشم در اتاق وارد و بعد از مختصر تعارفات سطحی صحبت شروع شد، دلیل و برهان نتیجه نداد... لواء پرسید: میرزا محمّد علی بهائی هست یا نیست؟ جهرمی گفت، مگر نمی دانید چه نسبت نزدیکی با جمال قدم و چه مقام بلندی در امر الهی دارد و همه گفتگوها برای حفظ مقام اوست. لواء گفت: با نسبت کار ندارم، می خواهم بدانم مؤمن به جمال مبارک هست یا نیست؟ گفت: از او مؤمن تر کیست؟ لواء گفت: پس چرا هیچ اثری بر ایمانش مترتب نیست؟ حضرت مسیح می فرماید: "هر داری را از بارش بشناسند." آثار ایمان او کجاست؟ تا به حال چند نفر را تبلیغ کرده است؟ این چه ایمانی است که روایع عنبرینش به مشام احدی نرسیده است؟ من یک زن آمریکائی بی اطلاعی هستم و از وقتی که این ندا را شنیده ام تاکنون متجاوز از پنجاه نفر را تبلیغ کرده ام... محمّد علی تا کنون چه کرده است؟

چنانکه مذکور شد عهد و میثاق توافقی است که بین دو طرف بسته می شود. عهدی که حضرت بهاءالله با ما بست این بود که، به ما تعالیم و آیاتی را اعطاء نماید که شرایط درونی و بیرونی ما را در جهان دگرگون سازد و برای ما مَبین صاحب اختیاری بر جای نهد که ما را از اشتباه در فهم مشیت الهی برهاند و ما را راه نماید تا به تأسیس تشکیلاتی که سبب حصول وحدت و یگانگی ما می شود، موفق گردیم. عهد حضرت بهاءالله در جمیع مراتب وجود ما، از سازمانهای اجتماعی گرفته تا حیات انفرادی، موثر و نافذ است. بر ذمه هر یک از ما افراد انسان است که به نوبه خود، مسئول رعایت احکام الهی باشیم و تعالیمی را که برای حفظ کرامت و مقام لازم است، اجراء نمائیم و به نحوی که ما را خدا خلق فرموده، موجوداتی شریف گردیم. دعا و مناجات نمائیم و آثار مقدسه را مطالعه کنیم، روزه بگیریم، عفت و عصمت را رعایت کنیم و امین باشیم. هرچند خود معدن نقائصیم، باز باید نسبت به یکدیگر مهربان باشیم و بر ماست که تشکیلاتی را که حضرت بهاءالله تأسیس فرموده دوست داشته باشیم و مطیع آنها گردیم. اگر چنین نکنیم، خود را از برکات عهد و میثاق حضرت بهاءالله محروم کرده ایم.

در مجموعه ای زیبا از آیات اخلاقی بنام کلمات مکنونه، حضرت بهاءالله کلام الهی را چنین بازگو می فرماید: «أَحِبِّنِي لِأَحَبِّكَ أَنْ لَمْ تُحِبَّنِي لَنْ أُحِبَّكَ أَبَدًا فَأَعْرِفْ يَا عَبْدُ.» که مضمونش اینست: مرا دوست بدار تا دوستت بدارم اگر دوستم نداری، محبت من هرگز به تو نمی رسد. این عبارت کوتاه، جوهر عهد و میثاق است و مسئولیت ما را معین می کند. از محبت آفریدگار به ما سخن می گوید و نیز به ما اختیار می بخشد که محبت او را پاسخ دهیم یا ندهیم که هرکدام از این دو راه را که برگزینیم نتایج مختلف دربر دارد.

برگرفته از سایت عهد و میثاق

۱۰- شعر: عهد نور، عهد بهاء

برگها با خورشید

ساقه با برگ لطیف

ریشه با ساقه ناز

خاک با ریشه و آوند ظریف

عاشقان با معشوق

و من و ما با تو

عهد و پیمان بستیم

عهد نور

عهد بهاء

با تو ای عبد بهاء

هست آواز تو در گوش هنوز

گر چه دیربست که خاموش شدی

و در آن "لیلۀ لیلای فراق

پر گشودی سوی درگاه پدر

نشد آواز تو در دل، خاموش

نه فراموش شدی

یاد آن "وجه صبیحت" با ماست

هر نفس در دل ما

شور آواز تو گرم غوغاست

عاشقان با معشوق

و من و ما با تو

عهد و پیمان بستیم

عهد نور

عهد بهاء

با تو ای عبد بهاء

عهد بستیم که آواز تو را

برسانیم به هر گوش که پروای شنیدن دارد

شاید آن کس که شنید

دل نبندد بر آن ، دل بر آن بگشاید

بگذارد جام خالی دلش

از حقیقت سرشار، از محبت لبریز، هدیه دوست شود.

شعر از آقای مهرزاد پاینده



هُوَ اللَّهُ

ای پروردگار این بنده گنه کار را در ظلّ شجره عنایت، ملجأ و پناهی بخش و بر حقیقتِ اسرار، آگاهی ده. بر عهد و میثاق ثابت و محکم بدار و بر پیمان ایمانت استوار فرما. چه که اریح افتتان، شدید است و صرصر امتحان، غبار انگیز. خدایا ثابت بدار. خدایا نابت کن. خدایا محفوظ و مصون دار و محظوظ و مأمون بنما. توئی مقتدر و توانا و توئی حافظ بی نظیر و همتا . ع ع

مجموعه مناجاتهای چاپ آلمان ص ۱۱۳